

رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۸

فرحناز قطب زاده اسرار*^۱، ایرج شاکری نیا^۲

چکیده

زمینه و هدف: سبک‌های فرزندپروری والدین مهمترین نقش را در تربیت فرزندان به عهده دارند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بر اساس سبک‌های فرزندپروری مادران آنها انجام شد.

روش: این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه مورد مطالعه را تمامی مادران کودکان کم‌توان ذهنی مقطع ابتدایی شهر رشت در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دادند که از میان آنها ۱۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از پرسشنامه رفتار سازشی واینلند (۱۹۵۳) و پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) استفاده شد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک مقتدرانه با رفتار سازشی همبستگی مثبت معنی‌دار و بین سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با رفتار سازشی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که سبک تربیتی مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار رفتار سازشی است ($P < 0/01$) و سبک‌های تربیتی سهل‌گیرانه و استبدادی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنی‌دار رفتار سازشی است ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های به دست آمده طراحی و برگزاری برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزش خانواده در زمینه آگاه‌سازی اولیا از سبک‌های فرزندپروری و تأثیر هر یک از آنها بر فرزندان بسیار ضروری است تا از این طریق بتوان با تغییر نگرش مادران و بهبود روابط اعضای خانواده، رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، مادران، رفتار سازشی، کم‌توان ذهنی

۱. * نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (far_gh_a@yahoo.com)

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای کودکان به شمار می‌رود و همه اعضای خانواده در سلامت روانی مهم هستند، چون خانواده منبع اصلی مراقبت و حمایت است (۱). در این میان والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان بر عهده دارند (۲). نقش و تأثیر خانواده بر شکل‌گیری شخصیت به طور عمده در سه محور تأثیر سبک فرزندپروری^۱، تأثیر سایر اعضای خانواده و ترتیب تولد فرزندان مورد توجه واقع شده است (۳). هر خانواده روش‌های ویژه‌ای را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد که به این روش‌ها سبک‌های فرزندپروری گفته می‌شود. سبک‌های فرزندپروری الگو‌هایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد. سبک فرزندپروری یکی از مؤلفه‌های اساسی در تحول و تربیت فرزندان است و اغلب در ارتباط با مهمترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی‌های شناختی و اجتماعی آنها دارد و زمینه‌ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساس‌ها و عادت‌های افراد است (۴).

دیانا بامریند^۲ (۱۹۹۱) چندین مطالعه درباره سبک‌های فرزندپروری و پیامدهایش انجام داده است. وی سه سبک اساسی فرزندپروری، مشتمل بر سبک مستبدانه^۳، مقتدرانه^۴ و سهل‌گیرانه^۵ را در نظریه‌اش گزارش می‌دهد (به نقل از ۵). والدین دارای سبک مستبدانه از روش مهارگری زیاد و محبت کم استفاده می‌کنند؛ والدین دارای سبک سهل‌گیرانه عشق و محبت بیش از اندازه، بدون اعمال مهارگری‌های لازم را ابراز می‌دارند؛ و والدین دارای سبک مقتدرانه از روش مهارگری زیاد و محبت زیاد استفاده می‌کنند. یعنی فرزندانشان را به

خاطر رفتارهای پسندیده‌شان تشویق و به خاطر اعمال ناپسندشان تنبیه می‌کنند (۶).

یکی از گروه‌های ناهمگن و قابل ملاحظه افراد با نیازهای آموزشی ویژه، دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی^۶ هستند. کم‌توانی ذهنی در ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در گروه اختلال‌های عصبی- تحولی^۷ قرار دارد و در حدود یک درصد افراد جامعه دیده می‌شود. کم‌توان ذهنی اختلالی است که در طی دوره تحول شروع می‌شود و در برگیرنده نارسایی در کنش‌وری سازشی و هوشی فرد در حوزه‌های عملی، اجتماعی، و مفهومی است (۷). عملکرد کلی ذهنی افراد کم‌توان ذهنی، کمتر از حد متوسط است و در رفتارهای سازشی آنها در دوره تحول نیز تأخیر و نارسایی دیده می‌شود (۸). رفتار سازشی به عنوان یکی از شاخص‌های تحول اجتماعی (۹) به توانایی‌های کارکردی از قبیل خودمراقبتی، قابلیت اجتماعی و خودمدیریتی که برای استقلال در زندگی روزمره ضروری است، گفته می‌شود (۱۰) و ترکیبی از هوش اجتماعی (درک موقعیت‌های اجتماعی و روابط با دیگران به شیوه مناسب) به همراه هوش عملی (توانایی حل مشکلات روزمره، به دست آوردن مهارت‌های خودیاری و کارکرد مستقل) است (۱۱). افراد کم‌توان ذهنی اشکالاتی در درک زبان، مهارت‌های اجتماعی، حافظه و مهارت‌های حرکتی، مشکلات هیجانی، نشانه‌های فزون‌کنشی/نارسایی توجه و نارسایی در توانمندی‌های شناختی و رفتار سازشی دارا هستند (۱۲).

حضور کودک با کم‌توانی ذهنی والدین را در مخاطره اختلاف‌های خانوادگی و زناشویی قرار می‌دهد، فرصت تعاملات اجتماعی، سرگرمی و اوقات فراغت آنها را کم می‌کند، فرصت رسیدگی به امور خانه آنها کاهش می‌یابد و برنامه‌های عادی زندگی آنها مختل می‌شود (۱۳). زمانی که

5. Permissive

6. intellectual Disabilities

7. Neurodevelopmental Disorders

1. parenting styles

2. Baumrind

3. Authoritarian

4. Authoritative

فرزندپروری والدین پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری برون‌نمود، درون‌نمود و رفتار سازشی کودکان است. در همین راستا، کیرنی و هیالی (۲۳) در پژوهشی به این نتیجه رسید که افراد با رفتارهای چالش‌برانگیز شدید نسبت به افراد بدون مشکلات رفتاری، به طور معناداری نمرات بالاتری از نظر وجود علائم روان‌پزشکی به دست آوردند. در تأیید یافته‌های مذکور تالیب، محمد و مامات (۲۴) پژوهشی با عنوان تأثیر سبک‌های فرزندپروری در تحول کودکان به این نتیجه رسیدند که سبک‌های فرزندپروری بر رفتارهای سازشی و عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر دارند. همتی علمدارلو و همکاران (۲۵) نیز به این نتیجه رسیدند که سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه پیش‌بینی کننده مثبت و معنا دار مشکل رفتاری ترس، مشکل رفتار اجتماعی و پر خاشگری؛ و سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز پیش‌بینی کننده منفی و معنادار مشکل رفتاری ترس، مشکل رفتار اجتماعی و پر خاشگری است.

از آن جایی که کودکان کم‌توان‌ذهنی در رفتار سازشی ضعف عمده‌ای دارند و همچنین سبک‌های فرزندپروری از عوامل مهم و تأثیرگذار در پرورش کودکان کم‌توان‌ذهنی است، بنابراین می‌توان با بررسی عوامل مؤثر بر رفتار سازشی از قبیل سبک فرزندپروری مادران و بهبود نحوه تعامل والد - کودک رفتار سازشی کودکان کم‌توان‌ذهنی را بهبود بخشید. به همین دلیل تحقیق حاضر نیز به دنبال آن است تا با بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری والدین و رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان‌ذهنی گامی در جهت بهبود رفتارهای سازشی کودکان کم‌توان‌ذهنی بردارد و همچنین این که کدام نوع سبک فرزندپروری والدین موجب بهبود رفتار سازشی این افراد خواهد شد تا با راهنمایی و مشاوره والدین، راهکارهای مناسبی اتخاذ شود.

کودکی مبتلا به کم‌توانی ذهنی تشخیص داده می‌شود تجربه فرزندپروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انتظارات والدین در مورد کودک و آینده او را تغییر می‌دهد (۱۴). گاپتا و کیور (۱۵) معتقد هستند که تولد کودک کم‌توان‌ذهنی مشکلات اجتماعی گوناگونی را برای والدین ایجاد می‌کند که از جمله آنها می‌توان به اضطراب در مورد آینده، کاهش تعامل با خویشاوندان و همسایه‌ها و کاهش درآمد اشاره کرد. وایز، سالیوان و دیاموند (۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین استرس والدین و رفتار سازشی کودکان رابطه وجود دارد و سطوح پایین تر کنش‌وری سازشی پیش‌بینی کننده سطوح بالاتر استرس بود. اسپوریچا، نیون هیونجن، دکاسترو و متیز (۱۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ارتباط والد-کودک و رفتارهای فرزندپروری با وقوع مشکلات رفتاری برون‌نمود کودکان کم‌توان‌ذهنی خفیف رابطه دارد. در همین راستا بلچر^۱ و همکاران (۱۸) به این نتیجه رسیدند که روابط معلم - دانش‌آموز در کودکان اوتیسم و با افراد با ناتوانی‌های تحولی و کم‌توانی ذهنی متفاوت بود. در تأیید یافته‌های مذکور علوی، پاکدامن ساوجی و امین (۱۹) در پژوهشی با عنوان آموزش مهارت‌های اجتماعی در پر خاشگری کودکان کم‌توان‌ذهنی به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های اجتماعی در پر خاشگری دانش‌آموزان کم‌توان‌ذهنی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشت. آجیل‌چی، رضایی کارگر و کلانتر قریشی (۲۰) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری بر استرس مادران و سطوح حرمت خود کودکان به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط معنادار بین حرمت خود کودکان، سبک‌های فرزندپروری و استرس زیاد مادران وجود دارد.

پژوهش‌های بسیاری رابطه سبک فرزندپروری والدین با رفتار سازشی را تأیید کردند. ایبار و همکاران (۲۱) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث به وجود آمدن مهارت‌های اجتماعی و شناختی بالاتر می‌گردد. همچنین رینالدی و هاو (۲۲) به این نتیجه رسیدند که سبک‌های

1. Blacher

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: طرح پژوهش حاضر همبستگی و از نوع مطالعات پیش‌بین است. جامعه آماری شامل تمامی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مقطع ابتدایی شهر رشت بود که فرزندشان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در مدارس ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی مشغول تحصیل بودند. آزمودنی‌های این پژوهش ۱۱۰ نفر از مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از جامعه مذکور بودند. برای انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.

ب) ابزار پژوهش: در این پژوهش از دو ابزار به شرح زیر استفاده شد:

۱. پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳): فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل استبدادی، سهل‌گیرانه، و اقتدارمنش اندازه‌گیری می‌کند. روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. به عنوان مثال بورای (۲۶) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سبک‌های سهل‌گیری و اقتدارمنش دارد و همچنین شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدارمنش ندارد. این محقق برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده کرد و نتایج را دضایت بخش گزارش کرد.

۲. پرسشنامه رفتار سازشی واینلند: مقیاس تحول اجتماعی واینلند در سال ۱۹۵۳ توسط دال^۱ تهیه و تدوین گردید و در سال ۱۳۵۷ توسط براهنی، اخوت و دانشمند، ترجمه و رواسازی شده است. این مقیاس ۱۱۷ سؤال دارد و به گروه‌های یک ساله تقسیم شده است و به هشت طبقه خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خودفرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جابجایی، اجتماعی شدن تقسیم می‌شود.

با توجه به نمره‌های مشخص در طبقات هشتمگانه این مقیاس، می‌توان سن اجتماعی و بهره اجتماعی را محاسبه کرد. مقیاس واینلند روی ۶۲۰ نفر مشتمل بر مرد و زن (در هر یک از گروه‌های سنی از تولد تا ۳۰ سالگی) هنجاریابی شده است و ضریب پایایی از نوع بازآزمایی ۰/۹۲ گزارش شده است (۲۷). زامیاد، یاسمی و واعظی این مقیاس را در مورد ۳۶۰ آزمودنی بهنجار مناطق شهری و روستایی کرمان به کار گرفتند و ضریب پایایی بازآزمایی حوزه‌های مختلف این مقیاس را در بین ۰/۹۶ تا ۰/۹۹ گزارش کردند. همچنین نشان دادند که مقیاس تحول اجتماعی واینلند با تغییراتی در برخی از موارد آن، بدون هیچ گونه تغییری در دستور عمل و شیوه آن، ابزاری با ارزش برای ارزشیابی مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های روزانه زندگی، اجتماعی شدن، مهارت‌های حرکتی و رفتارهای غیرانطباقی است (۲۸).

شیوه اجرا: برای انتخاب نمونه مادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی مقطع ابتدایی، به همه مدارس ابتدایی ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی شهر رشت مراجعه شد و پرسشنامه سبک فرزندپروری والدین و رفتار سازشی بر روی تمامی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آن مدارس اجرا شد. سرانجام ۱۱۰ نفر از مادران این دانش‌آموزان پرسشنامه‌ها را به صورت کامل تکمیل نموده و بازگشت داده‌اند.

یافته‌ها

در این پژوهش برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و برای پیش‌بینی رفتارهای سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از طریق سبک‌های فرزندپروری مادران، از روش آماری رگرسیون چندگانه استفاده شد. از کل نمونه‌های ۱۱۰ نفری مادران شرکت‌کننده در این پژوهش ۵۰ نفر فرزند دختر و ۶۰ نفر فرزند پسر داشتند. در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

1. Doll

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴
۱. رفتار سازشی	۷۸/۰۲	۸/۶	۱			
۲. سبک مقتدرانه	۴۲/۶۵	۳/۷۱	۰/۴۳**	۱		
۳. سبک سهل گیرانه	۲۵/۹۵	۴/۰۸	-۰/۳۸**	-۰/۲۴**	۱	
۴. سبک استبدادی	۲۳/۸۸	۳/۵۵	-۰/۳۹**	۰/۳۳**	۰/۱۸**	۱

* $p < 0/05$ و ** $p < 0/01$

کالموگروف اسمیرنف نشان داد که توزیع داده ها نرمال است. مقدار آماره دوربین- واتسون در تحقیق حاضر ۱/۸۳ است. مقادیر بین ۱/۵ تا ۲/۵ نشانگر وجود استقلال خطاها در داده ها هستند. بنابراین می توان گفت که در تحقیق حاضر برای انجام رگرسیون چندمتغیری استقلال خطاها وجود دارد. آماره عامل تورم واریانس در تحقیق حاضر ۱/۰۶ به دست آمد که عدد کمتر از ۱۰ نشانگر عدم وجود چندمخطی است. بنابراین می توان گفت که در تحقیق حاضر بین متغیرهای مستقل هم خطی چندگانه وجود ندارد. با توجه به این موارد می توان از تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده نمود که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می شود همبستگی مثبت و معنی داری بین سبک اقتداری با رفتار سازشی ($r = 0/43$) و وجود دارد. ولی همبستگی منفی معنی داری بین سبک سهل گیرانه با رفتار سازشی ($r = -0/38$) و $(P < 0/01)$ و همچنین همبستگی منفی و معنی داری بین سبک مستبدانه با رفتار سازشی ($r = -0/39$) و $(P < 0/01)$ وجود دارد. برای مطالعه قابلیت پیش بینی رفتار سازشی با کمک مؤلفه های سبک های فرزندپروری، متغیرهای پژوهش وارد تحلیل رگرسیون گام به گام شدند. قبل از اجرای تحلیل رگرسیون، مفروضه های این تحلیل شامل نرمال بودن متغیرها، استقلال خطاها و عدم وجود هم خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام رفتار سازشی از روی سبک های فرزندپروری

گام	ضریب همبستگی چندگانه	واریانس تبیین شده	واریانس تبیین شده تعدیل یافته	خطای استاندارد برآورد	تغییرات R^2
اول	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۱۷	۷/۸۰	۰/۱۸
دوم	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۵	۷/۴۳	۰/۰۸
سوم	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۳۱	۷/۱۶	۰/۰۶

سازشی را پیش بینی می کند. این سه متغیر در مجموع ۳۲ درصد از تغییرات رفتار سازشی را تبیین می کنند. در جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس، جهت بررسی سبک های فرزندپروری در پیش بینی رفتار سازشی گزارش شده اند.

نتایج جدول ۲ نشان می دهد، در گام اول سبک فرزندپروری مقتدرانه ۱۸ درصد از تغییرات رفتار سازشی را تبیین می کند، در گام دوم سبک فرزندپروری سهل گیرانه ۸ درصد و در گام سوم سبک فرزندپروری مستبدانه نیز ۶ درصد از تغییرات رفتار

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای پیش‌بینی رفتار سازشی از روی سبک‌های فرزندپروری

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۶۲۸/۳۱	۳	۸۷۶/۱۰	۱۷/۰۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۵۴۳۳/۶۵	۱۰۶	۵۱/۲۶		
کل	۸۰۶۱/۹۶	۱۰۹			

به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی رفتار سازشی هستند. در جدول ۴ نیز ضرایب رگرسیون استاندارد نشده و استاندارد شده و بررسی معنی‌داری این ضرایب گزارش شده‌اند.

با توجه به جدول ۳، آزمون تحلیل واریانس مدل پیش‌بینی رفتار سازشی از روی سبک‌های فرزندپروری (۱۷/۰۹) در سطح (۰/۰۰۱) معنی‌دار است. این یافته نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین یعنی، سبک تربیتی مقتدرانه و سهل‌گیرانه و مستبدانه

جدول ۴. ضرایب رگرسیون و آماره t مدل پیش‌بینی رفتار سازشی از روی سبک‌های فرزندپروری

متغیر	ضریب رگرسیون استاندارد نشده (B)	خطای استاندارد (S.E)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت (a)	۸۰/۱۴	۱۲/۳۲		۶/۵۰	۰/۰۰۱
سبک مقتدرانه	۰/۶۴	۰/۱۹	۰/۲۸	۳/۲۳	۰/۰۰۲
سبک سهل‌گیرانه	-۰/۵۶	۰/۱۷	-۰/۲۷	-۳/۲۵	۰/۰۰۲
سبک مستبدانه	-۰/۶۲	۰/۲۱	-۰/۲۶	-۳/۰۳	۰/۰۰۳

پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار رفتار سازشی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رفتار سازشی است. نتایج پژوهش اسچورینجا و همکاران (۱۷) مبنی بر ارتباط والد-کودک در خانواده کودکان با کم‌توانی ذهنی با فرضیه حاضر همسو است. همچنین نتایج پژوهش‌های بلچر و همکاران (۱۸)، علوی و همکاران (۱۹)، رینالدی و هاو (۲۲)، کیرنی و هیالی (۲۳)، تالیب، محمد و مامات (۲۴)، ایبار و همکاران (۲۱) و همتی علامدارلو و همکاران (۲۵) همسو است.

یکی از نتایج این پژوهش این بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت در سبک مقتدرانه، والدین قوانین و انتظارات روشنی را برای کودکان وضع می‌کنند و با کودک در مورد این قوانین مذاکره می‌کنند. آنها دیدگاه کودک را می‌شناسند و از منطق و قدرت جهت اعمال معیارهایشان بهره می‌برند. در این نوع

با توجه به جدول ۴ اثر سبک فرزندپروری مقتدرانه بر رفتار سازشی (۰/۲۸) مثبت، اثر سبک سهل‌گیرانه بر رفتار سازشی (-۰/۲۷) منفی و اثر سبک مستبدانه بر رفتار سازشی (۰/۲۶) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که تاثیر سبک تربیتی مقتدرانه بر رفتار سازشی بیشتر از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه است. همچنین مثبت بودن اثر سبک فرزندپروری مقتدرانه در رفتار سازشی، نشانگر آن است که هر چه قدر فرد دارای سبک مقتدرانه بالاتر باشد، میزان رفتار سازشی نیز بیشتر خواهد بود و نیز منفی بودن اثر سبک سهل‌گیرانه و مستبدانه در رفتار سازشی، نشانگر آن است که هر چه قدر فرد دارای سبک سهل‌گیرانه و مستبدانه بالاتر باشد، میزان رفتار سازشی کمتر خواهد بود.

بحث

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بر اساس سبک‌های فرزندپروری مادران انجام شد. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه

یکی دیگر از نتایج این فرضیه این بود که سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنی‌دار رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در این نوع سبک فرزندپروری، والدین قواعد و انتظارات خشکی را وضع می‌کنند و به طور سخت و جدی آنها را اعمال می‌کنند و انتظار فرمان‌برداری از جانب کودک را دارند و نیز کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی در تربیت خود به کار می‌گیرند. والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتر از شیوه تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند و خودپروری کودکان را محدود می‌کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است. بنابراین کودکان از تصمیم والدینشان امتناع می‌کنند. همچنین یکی دیگر از نتایج این فرضیه این بود که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنی‌دار رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت در سبک سهل‌گیرانه، والدین در مقایسه با ایده‌آل‌های خودشان به ترجیحات فرزندانشان اولویت بیشتری می‌دهند و به ندرت کودک را وادار به اجرای معیارهایشان می‌کنند. چون در این سبک فرزندپروری قانون و مقرراتی حاکم بر رفتار اعضای خانواده نیست و هر چه و مرج و بی‌نظمی مشاهده می‌شود و هیچ یک از اعضای خانواده حق دخالت در کار یکدیگر را ندارند، بنابراین هر رفتاری که هر یک از اعضای خانواده انجام دهند مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند و بازخواست نمی‌شوند و همین امر باعث می‌شود که در روابط با دیگران و رفتار سازشی مشکل داشته باشند.

بامریند در مشاهداتش دریافت که کودکان والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه عموماً دارای رفتارهای پرخاشگرانه و تکانشی هستند. این کودکان اغلب پیشرفت اندکی دارند و سرکش و سلطه‌جو هستند (۲۸). نتایج تحقیقات گوناگون حاکی از این است که والدین کودکان کم‌توانی ذهنی از

خانواده‌ها همه افراد خانواده به تناسب موقعیت و امکانات خود حق دخالت در امور خانه را دارند و همه اعضای خانواده در امور خانه احساس مسئولیت می‌کنند. اگر کسی در انجام کارهای خود کوتاهی کند یا برخلاف آنچه از طرف خانواده تعیین شده است عملی انجام دهد، تمام افراد در تعیین مجازات او شرکت می‌کنند. می‌توان گفت والدین کودکان کم‌توان ذهنی که سبک مقتدرانه را در تربیت فرزندان کم‌توان ذهنی خود به کار می‌گیرند چون والدینی هستند که از منطق لازم برخوردارند، ابتدا نسبت به مشکلات کودک کم‌توان ذهنی خود آگاهی لازم را کسب می‌کنند و سپس با توجه به مشکلات کودک خود قوانین و انتظاراتی را برای کودک کم‌توان ذهنی وضع می‌کنند و به کودک خود در این زمینه آگاهی لازم را می‌دهند. این نوع از والدین با مشکلات سازشی فرزندان خود آگاهی دارند و سعی می‌کنند از همان ابتدای کودکی، در خانواده ارتباط درست و منطقی با فرزند کم‌توان ذهنی خود داشته باشند و توقع و انتظارات خودشان را با توانایی فرزند خود تطبیق می‌دهند و شرایط و موقعیت‌هایی برای تعامل فرزندشان در اجتماع به وجود می‌آورند. آنها از همان ابتدای کودکی، در حد توان فرزند خود به او مسئولیت می‌دهند و به شخصیت کودک خود احترام می‌گذارند. این رفتار والدین در کودکی باعث می‌شود که فرزندشان در بزرگسالی در تعامل و رفتار با دیگران موفق‌تر باشد و رفتار سازشی مناسب با دیگران داشته باشد.

پارکر و آشر نشان داد که بین مشکلات سازش‌یافتگی اجتماعی دوران کودکی و بروز مشکلات در دوره‌های بعدی زندگی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. فرزندان سیستم متعادل خانوادگی از نظر هیجانی سالم‌تر، شاداب‌تر و در زندگی و مدرسه موفق‌ترند. کودکان والدین دارای سبک مقتدرانه، رفتاری را که بامریند از آن به عنوان رفتار پراثری - دوستانه یاد می‌کند، از خود نشان می‌دهند. این کودکان بسیار متکی به خود و سرحال بوده، بسیار خوب با فشار مقابله می‌کنند و پیشرفت‌مدار هستند (۲۹).

صحيح تربيت فرزند توسط دست‌اندر کاران تربيتی در قالب دوره‌های آموزشی منظم به والدین آموزش داده شود، مشکلات والدین و ديگر اعضای خانواده‌های دارای فرزند کم‌توان ذهنی به طور منظم بررسی و حمایت‌های لازم صورت گیرد، و در جهت بهبود روابط بين تک تک اعضای خانواده دارای فرزند کم‌توان ذهنی، اقدامات لازم صورت گیرد.

تشکر و قدردانی: در پایان از زحمات مادران شرکت‌کننده در این پژوهش که نهایت همکاری را داشتند سپاسگزار می‌شود.

سبک‌های فرزندپروری استبدادی یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، بدین صورت که گاهی اوقات بدون توجه به محدودیت کودک با کم‌توانی ذهنی برای او سخت‌گیری می‌کنند و گاهی اوقات نیز به دلیل غفلت از شرایط و محدودیت‌های کودک یا به دلیل تحلیل رفتن انرژی و انگیزه‌های آنها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را در پیش می‌گیرند. به طور کلی آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگ‌ترین وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد. خانواده‌ای که از توان و امکانات لازم برخوردار است تا وظایف پدر و مادری‌اش را به نحوی مطلوب و با موفقیت انجام دهد در هر یک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد می‌کند و همچنین احساس داشتن هدف، جهت، پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می‌آورد.

در پایان باید یادآور شد که آزمودنی‌های این پژوهش بیشتر از مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بودند، بنابراین تعمیم نتایج آن در مورد پدران باید با احتیاط صورت گیرد و همچنین تعمیم نتایج به مادران دانش‌آموزان بدون اختلال و مادران با دانش‌آموزان مبتلا به سایر ناتوانی‌ها باید با احتیاط انجام شود. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به کم بودن تعداد نمونه‌ها و محدود بودن آنها به یک شهر و شیوه نمونه‌گیری در دسترس اشاره کرد.

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، در سطح پژوهشی به محققان پیشنهاد می‌شود که به بررسی سبک‌های فرزندپروری والدین کودکان مبتلا به سایر اختلال‌ها بپردازند و در واقع نوع و شدت اختلال فرزند و تأثیر آن بر شیوه تربیتی فرزندان را بررسی کنند. پژوهشگران همچنین در آینده می‌توانند به مطالعه سبک فرزندپروری پدران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بپردازند. همچنین در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود والدین کودکان کم‌توان ذهنی در تربیت فرزند خود بیشتر از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده نمایند، شیوه‌های

References

1. Widmer ED, Kempf N, Sapin M, Galli-Carminati G. Family beyond parents? An Exploration of family configurations and psychological adjustment in young adults with intellectual disabilities. *Res Dev Disabil*, 2013; 34(1):207-217.
2. Grolnick WS. The Role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *Theory Res Soc Educ*. 2009; 7(2):164-173.
3. Wick-Nelson R, Israel AC. *Abnormal child and adolescent psychology*. New Jersey: Pearson Education; 2009.
4. Desjerdins J, Zdenski JM, Coplan RJ. An Investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 2008; 44(3):587-597.
5. Olson DH, Defrain J, Olson AK. *Building Relationship (Developmental Skills for Life)*. Minnesota: Life Innovations Publisher; 1999.
6. Hemati Alamdarloo GH. Compare the style of parenting mothers of preschool children with and without mental retardation. *Journal of Research in Behavioral Sciences*. 2014; 1:122-132. [Persian].
7. American psychiatric association. *Diagnostics and statistical manual of mental disorders*. 5 edition. Rezai F, Fakhrai A, Farmand A, Nilooofari A, Hashemi Azar J, Shamloo F. (Persian translators). Tehran; 2015. [Persian].
8. Gorla JI, Silva AC, Costa LT, de Araujo PF. Performance of balance beam task of KTK by people with intellectual disability. *Movimento e Percepcao*. 2010; 11; pp: 11-101.
9. Geroux AM. *The Relationship between children. Adaptive social behavior and maternal use of social support and maternal parenting behavior among single mothers living in poverty and coping with a crisis : a test of the family distress model / [Thesis (Ph. D.)]*. [Florida]: Florida State University; 2001.
10. Westwood P. *What Teachers Need to Know about Students with Disabilities?* Camber well: ACER press; 2009.
11. Hallahan DP, Kauffman JM, Pullen PC. *Exceptional learners*. 11th edition. Boston: Allyn& Bacon; 2009.
12. Tremblay KN, Richer L, Lachance L, Cote A. Psychopathological manifestations of children with intellectual disabilities according to their cognitive and adaptive behavior profile. *Res Dev Disabil*, 2010; 31(1):57-69.
13. Leary PM, Verth F. The Effect of a mentally retarded child on family functioning in a third world community. *Early Child Development and Care*. 1995; 109(1):83-8.
14. Bostrom P. *Experiences of Parenthood and the Child with an Intellectual Disability [PhD Thesis]*. Gothenburg, Sweden: Department of Psychology, University of Gothenburg, Sweden; 2012.
15. Gupta RK, Kaur H. Stress among parents of children with intellectual disability. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal*, 2012; 21(2):26-118.
16. Weiss JA, Sullivan A, Diamond T. Parent stress and adaptive functioning of individuals with developmental disabilities. *J Dev Disabil*. 2003; 10(1):130-135.
17. Schuiringa H, van Nieuwenhuijzen MV, de Castro BO, Matthys W. Parenting and the parent-child relationship in families of children with mild to borderline intellectual disabilities and externalizing behavior. *Res Dev Disabil*. 2015; 36:1-12.
18. Blacher J, Erica Howell E, Lauderdale-Littin S, DiGennaro Reed FD, Laugeson EA. Autism spectrum disorder and the student teacher relationship: A comparison study with peers with intellectual disability and typical development. *Res Autism Spectr Disord*. 2014; 8(3):324-333.
19. Alavi SZ, Pakdaman Savoji A, Amin F. The Effect of social skills training on aggression of mild mentally retarded children. *Procardia Social and Behavioral Sciences*. 2013; 84:1166 – 1170.
20. Ajilchi B, Rezaei Kargar F, Kalantar Ghoreishi M. Relationship between the Parenting Styles of Overstressed Mothers with their children's self-Esteem. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2013; 82:496 – 501.
21. Abar B, Carter KL, Winsler A. The Effect of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *J Adolesc*. 2009; 32(2):259-273.

22. Rinaldia CM, Howe N. Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Child Res Q.* 2012; 27(2):266– 273.
23. Kearney DS, Healy O. Investigating the relationship between challenging behavior, co-morbid psychopathology and social skills in adults with moderate to severe intellectual disabilities in Ireland. *Res Dev Disabil.* 2011; 32(5):1556-1563.
24. Talib J, Mohamad Z, Mamat M. Effects of parenting style on children development. *World Journal of Social Sciences.* 2011; 1(2):14–35.
25. Hemati Alamdarloo Gh, Hossein Khanzadeh A, Arjmandi M, Teymoori M, Taher M. The role of maternal parenting style to predict behavioral problems in preschool children with mental retardation. *J Spec Educ.* 2014; 14(3):7-16. [Persian].
26. Buri JR. Parental authority questionnaire. *J Pers Assess.* 1991; 57(1):110-119.
27. Saatchi M, Askarian M, Kamkari K, Asadi P, Maasheri A, Mohhamadi Taghavi SM. Psychological testing. Tehran: Virayesh; 2015.[Persian].
28. Zamyad A, Yasemi M, Vaezi S A. Preliminary Standardization of Vineland Adaptive Behavior Scale in Urban and Rural Population of Kerman. *IJPCP.* 1996; 2 (4):44-55
29. Olson DH, Defrain J. *Marriages and Families (Intimacy, Diversity and Strengths.* 4 edition. New York: McGraw-Hill Humanities; 2011.

The Relationship Between Parenting Styles with Adaptive Behavior among Students with Intellectual Disability

Farahnaz Ghotbzadeh Asrar¹, Iraj Shakerinia²

Received: June 12, 2015

Accepted: September 19, 2015

Abstract

Background and purpose: Parenting styles plays an important role in the upbringing of children. Therefore, present study aimed to predict adaptive behavior among students with intellectual disability based on their mothers' parenting styles.

Method: This research was a descriptive-correlational study. The study population comprised all mothers of elementary students with intellectual disability that were studying in schools of Rasht City in 1393-94 academic year. The study sample comprised 110 subjects that were selected using convenience sampling method. Data were collected using the Vineland Social Maturity Scale (1953) and parenting style questionnaire (Baumrind, 1973).

Results: Data analysis using Pearson correlation coefficient revealed a significant positive correlation between authoritative parenting style with adaptive behavior, and significant negative correlations between authoritarian and permissive parenting styles with adaptive behavior ($p < 0.01$). Moreover, data analysis using multiple regression analysis revealed that authoritative parenting style was the significant positive predictor of adaptive behavior, while permissive and authoritarian parenting styles were the significant negative predictors of adaptive behavior ($p < 0.01$).

Conclusion: According to our findings, it is essential to design and provide family training programs on parenting styles and their influences on children's behavior, in order to change mothers' attitudes and improve family relationships, which can in turn enhance adaptive behavior among students with intellectual disability.

Keywords: Parenting styles, mothers, adaptive behavior, intellectual disability

1 . *Corresponding Author: MA in Psychology, Faculty of humanities, University of Guilan, Guilan, Iran (far_gh_a@yahoo.com)
2 . Assistant Professor, Department of Psychology, faculty of Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran